

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل

۱۷ مارچ ۲۰۲۱



یونس نگاه

فارسی ستیزی، آفت پشتو

نقش فارسی در منطقه ما کموبیش شباهت به نقش لاتین در غرب دارد، با این تفاوت که زبان‌های متکی به لاتین امروز بزرگتر از لاتین شده ولی زبان‌هایی که با اتکاء به فارسی وارد کتابت، آموزش و ادبیات معاصر شده‌اند یا همپای فارسی‌اند و یا هنوز آن‌قدر رشد نکرده‌اند که از اعتماد به نفس کافی برخوردار شوند. سه زبان اردو، ترکی و پشتو را مثال می‌زنیم.

زبان اردو شبیه بچه ننه (نازدانه عاشق مادر) رابطه‌اش با فارسی وابستگی بیش از حد است. اردو هویت، نام و مقامش را در فارسی می‌بیند و هر جا بخواهد اصالت خود را به رخ همسایگان و همبازی‌ها بکشد کاملاً در نقش فارسی ظاهر می‌شود، مثل سرود ملی پاکستان. دیوان‌های شعر و ادبیات اردو پر از فخر فروشی‌های آن زبان به ریشه‌های فارسی‌اش است.

رابطه ترکی با فارسی به رابطه فرزند هوشیار و باپشتکاری می‌ماند که مادرش را دوست دارد ولی راه خودش را رفته است. شیر مادرش را خورده ولی برای مادرش نیز چیزهای گران‌بها هدیه داده است. ترکی به این واقعیت که از دامن فارسی وارد جهان معاصر شده است اذعان داشته (البته ترکی ریشه مشترک با فارسی ندارد) و یادگارهای مادرش را بسیار عزیز می‌دارد اما وابسته فارسی نیست، بلکه هویت مستقل برای خودش ساخته و در مواردی از فارسی بیشتر درخشیده است.

لینک پایان‌نامه یک محصل ترک را که در سال ۲۰۱۹ نشر شده است زیر این پست می‌گذارم. در آن پایان‌نامه تحقیق مفصل در مورد رابطه فارسی و ترکی شده است. آقای دوغان اوزلوک، صاحب این پایان‌نامه نوشته است که ۱۳۰۰ کلمه ترکی که در یکی از مشهورترین لغت‌نامه‌های رسمی معاصر ترکیه چاپ شده، اصالت فارسی دارند و در بیش از شش هزار (۶۰۰۰) کلمه ترکی اثر فارسی دیده می‌شود.

هرکسی که مدتی در ستانبول زندگی کند و گوشش به کلمات ترکی آشنا گردد، متوجه می‌شود که در مکالمات روزمره حضور فارسی چقدر آشکار است و در عین حال متوجه می‌شود که چه تعداد زیاد کلماتی را که ما فارسی می‌پنداریم از ترکی گرفته شده است. درینجا برخی کلمات رایج در زندگی روزمره ترک‌های ستانبول را بطور نمونه می‌آورم: بدوا (باد هوا=رایگان)، چفت (جفت)، چامه‌شُر (جامه‌شور)، چامه‌شُرانه (جامه‌شور خانه)، دیواسا، افسانه، اندام، گناه، همشیره (همشهری)، هُیابان (خیابان)، کیلدان (گلدان)، گُستاح (گستاخ)، پیشمان (پشیمان)، شکرپاره، ساخته (ساخته=جعلی)، ساخته‌کار (جعل‌کار)، سرهوش (مست=سرخوش)، سفارش، اُمّت (امید)، ساده‌جی (فقط).

در عین حال، خلاف آنچه سیاستمداران پشتون در افغانستان پیشه کرده‌اند، در ترکی از ظرفیت‌های سازنده فارسی (پسوند، پیشوند، حروف و امثالهم) در ساختن ترکیبات و کلمات تازه ترکی استفاده می‌شود. چند نمونه را اینجا مرور می‌کنیم:

- ۱ - استفاده از حرف (به) برای ساختن کلمات ترکیبی ترکی: گون‌به‌گون، کات‌به‌کات، یوزبه‌یوز.
 - ۲ - استفاده از پسوند (خانه): بویاهانه، تُوْم‌هانه، توپ‌هانه، یناک‌هانه، گل‌هانه، یازْ‌هانه، هاستانه (هاستاهانه=شفاخانه)
 - ۳ - استفاده از پسوندهای باز، دار، گذار، زده: بیرکتار (بیرقدار)، دیپریم‌زده، دوزن‌باز، ایمیک‌تار (ایمیک‌دار)، ایش‌گوزار (اش‌گذار)، گُش‌باز.
- صدها کلمه فارسی بدون تغییر یا با تغییر جزئی در تلفظ، حفظ شده‌اند: چابک، چرچویه (چارچوبه)، جومرت (جوانمرد)، آگاه، آسایش، گفته، دسته، درت (درد)، درمان، دهلز، بیان‌جی (بیابانی=بیگانه)، تازه، پرنج و غیره.
- اما رابطه پشتو (منظور پشتوی رسمی و روزنامه‌ای است) با فارسی شبیه فرزند کلان‌کاریست که به‌جای چسپیدن به کار خود، ورز دادن بازوها و پالودن مهارت‌هایش با مادرش در جنگ است تا از سایه او رها شود. پشتوی رسمی گرفتار رشک و عقده نسبت به مادر مهربانش می‌باشد. مویش را رنگ می‌کند تا شبیه مادرش معلوم نشود، بینی‌اش را عملیات می‌کند تا مستقل و متفاوت به‌نظر برسد اما هرچه تلاش کند باز هم فارسی مادر است. پشتو الف‌بایش را با اتکاء به خط فارسی ساخته است، ادبیات معاصرش را با اتکاء و تقلید مثبت از فارسی بنا کرده است. مفاهیمی که در بیان، عروض، انواع ادبی، دسته‌بندی‌های هنر و تقسیم‌بندی‌هایی که در شعر پشتو وجود دارد همه (حتی آن‌هایی که ریشه عربی دارند) از فارسی گرفته شده است. مفاهیم علمی و ساینسی رایج در مکتب و دانشگاه نیز از دریچه فارسی وارد پشتو شده است. شاید کیمیا، استعاره، کنایه، دوبیتی، چارپاره، غزل، مثنوی، قصیده، قصه، افسانه، حکایت شعر سفید، شعر آزاد، شعر کلاسیک، رمان، داستان کوتاه، مکاتب ادبی و دیگر مفاهیم علمی، ادبی و هنری را که از فارسی یا از طریق فارسی وارد پشتو شده‌اند روزی نام‌شان را به پشتو ترجمه کنند، ولی دی‌ان‌ای فارسی را از سلول‌های ادبیات، هنر و کتابت پشتو نمی‌توانند حذف کنند.

گروهی از قلم‌به‌دستان و سیاست‌مدارانی که امروز پشتوی نوشتاری و رسمی را سمت می‌دهند، مشغول تخریب پشتو می‌باشند. آنان با فارسی‌زدائی، این زبان ملی ما را از ریشه‌هایش جدا می‌کنند و دریچه ظرفیت‌هایی را که فارسی به‌روزی پشتو باز کرده است، می‌بندند. مثلاً در پشتو کرکیت، فوتبال، فوتسال، تینس و دیگر بازی‌هایی را که از غرب آمده است با همان نام غربی می‌خوانند ولی بزکشی را به خاطر که فارسی است (وزلوبه) ترجمه کرده‌اند. ترجمه بزکشی به وزلوبه هیچ چیزی از فارسی کم نمی‌کند ولی رابطه بین رسانه و نویسنده پشتو را با مخاطبانش دچار سکتگی می‌نماید. وجود کلمات فارسی در پشتو سود زیادی به حال فارسی ندارد و حذف آن‌ها نیز چیزی از فارسی کم نخواهد کرد، اما رشد پشتو را کند می‌کند.

سیاست‌گذاران و سمت‌دهندگان پشتوی رسمی شاید بدانند که غنای خود فارسی از چسبیدن به ریشه‌های عتیقه خودش نمی‌آید بلکه حاصل ظرفیتش در دادوگرفت با زبان‌های دیگر است. فارسی امروز راز غنای نسبی‌اش در ظرفیت جذب و ازخودسازی ورودی‌های عربی، ترکی، لاتین، انگلیسی و دیگر زبان‌ها است. اگر فارسی در هجوم اعراب، مغول، ترک و انگلیس از پا نیفتاده است دلیلش این نبوده که انزوا اختیار کرده باشد و با عربی و ترکی و لاتین جنگیده باشد، بلکه با آن‌ها وارد دادوگرفت شده است. به انگلیسی، عربی، فرانسوی، هسپانوی، پشتو، ترکی، اردو و بسیار زبان‌های دیگر وام داده است و درعین حال از همه آن‌ها در حد بزاعت هرکدام وام گرفته است. رابطه فارسی با عربی قرن‌ها مثل رابطه اردو و فارسی بود، ولی به تدریج و با گذشت زمان آن وابستگی بچه‌ننه‌ئی کاهش یافت و فارسی اعتماد به نفس یافته میراث ننه‌اش را هضم کرده خودش شده است.

سیاست‌گذاران پشتوی رسمی کاش بدانند که مردم دوست دارند که پشتو نه با سرکوب فارسی، بلکه در کنار فارسی غنی شود، بزرگتر گردد و افتخارهای جهانی به وطن ما بیاورد. داستان‌های زندگی ما را زیبا و هنرمندانه به تصویر بکشد، یافته‌های علمی و هنری جهان را با زبان سلیس و زیبا برای ما ترجمه کند تا کتابخانه‌های شهر پر از سخن‌ها و خبرهای زنده مربوط به زندگی امروز و فردای ما باشند و ما برای خریدن کتاب تازه، دیدن فلم تازه، شنیدن سرود تازه به زبان فارسی و پشتو رقابت کنیم. اما، رسیدن به آن‌جا کار می‌خواهد، حواس جمع و اعصاب آرام می‌خواهد. با جنگیدن، دشمنی با زبان فارسی، تفرقه اندازی و حسادت آن راه دشوار پیموده نخواهد شد.